

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۹۹ - ۱۲۶

## پیامدهای اجتماعی و تأثیرات هنجاری اصلاحات ارضی در ایران

سارا خان رمکی<sup>۱</sup>علی صباغیان<sup>۲</sup>

### چکیده

پژوهش حاضر «به بررسی پیامدهای اجتماعی و تأثیرات هنجاری اصلاحات ارضی در ایران» پرداخته است. در این پژوهش کانون توجه معطوف به مسایلی هم چون اصلاحات ارضی، حاشیه نشینی و سایر پیامدهای اصلاحات ارضی می‌باشد. این پژوهش به شیوه توصیفی تحلیلی و به صورت مطالعه کتابخانه ای انجام شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مهاجرت روستاییان به شهرها و رشد و تشدید حاشیه نشینی شهری مهم‌ترین پیامد اجتماعی اصلاحات ارضی بود. مهاجرت روستاییان به شهرها با توجه به عواملی همچون قطعات کوچک زمین و نامرغوب بودن آنها تولید کم محلی و کمبود آب، گسترش مالکیت بزرگ سرمایه داری، کمبود تأسیسات و تسهیلات زندگی در روستاها، عدم تخصیص بودجه به بخش کشاورزی، توسعه روزافزون شهرها و پیدا کردن شغل بوده است. بعد از آن تقویت و گسترش رادیکالیزم در میان جوانان حاشیه شهرها به عنوان پیامد هنجاری اصلاحات ارضی شروع شد. لذا مهم‌ترین زمینه‌های داخلی و خارجی گسترش رادیکالیزم در قالب مواردی چون شناور بود افراد مهاجر و عدم تثبیت هویت در آنها، ترکیب جمعیتی جوان و ورود آنها به دانشگاه‌ها، فضای ملتهب شهری، استبداد حاکم و حضور آمریکا به عنوان حامی شاه در کنار سیطره ادبیات مارکسیستی در فضای کشورهای جهان سوم و گسترش اسلام سیاسی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که پیامدهای اجتماعی - هنجاری اصلاحات ارضی منجر به رشد و تشدید حاشیه نشینی و تقویت رادیکالیزم شد.

### واژگان کلیدی

پیامد هنجاری، پیامد اجتماعی، اصلاحات ارضی.

۱. پایه یک دادگستری.

۲. استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران. (نویسنده مسئول)

## طرح مسأله

اصلاحات ارضی در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در زمان حکومت پهلوی دوم نتوانست اهداف و آثار مورد انتظار را به همراه بیاورد. پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ یکبار دیگر جرقه‌ای بر مبحث عدالت اجتماعی و باز توزیع زمین بود. در چنین فضایی که ساختار نظام ارباب - رعیتی با تزلزل جدی مواجه شده بود، روستاییان و دهقانان بدنبال باز توزیع زمین بودند مردم روستایی لغو کامل نظام ارباب رعیتی و توزیع زمین‌ها بر حسب عدالت را خواستار بودند. فشارهای افکار عمومی و گروه‌های مختلف انقلابی نهایتاً منجر به انعکاس این خواسته در سطوح بالای تصمیم‌سازی کشور در سال ۱۳۵۸ شد. شورای انقلاب که مسئولیت تصویب و وضع قوانین کشور را در آن زمان داشت به بررسی این موضوع پرداخت یکی از مهمترین طرح‌هایی که برای تغییر بنیادین وضعیت اجتماعی روستاها از سال ۱۳۵۸ در دستور کار شورای انقلاب قرار گرفت طرح تقسیم اراضی روستایی ایران بود این طرح پس از طی فراز و نشیب‌های فراوان نهایتاً در شورای انقلاب تصویب شد و بعداً با تشکیل مجلس شورای ملی در این مجلس تصویب و در چند نوبت با اصلاحیه مواجه شد باز توزیع زمین‌های اموات صادره‌ای و بلا صاحب که در این قانون مورد توجه قرار گرفت، بی‌تردید پیامدهای متعددی را در سپهر اجتماعی و اقتصادی روستاها در پی داشت (نوروزی و شهبازی، ۱۳۹۹).

در باب پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران، تحقیقات متعددی انجام گرفته است که هر یک اثرات مهمی در جامعه ایران، خاصه جامعه روستایی داشته است. کاهش سریع تولیدات کشاورزی در سال‌های اول بعد از اصلاحات ارضی، خشک شدن فراوان قنات و غیره را ناشی از تلاطمات جامعه روستایی به دنبال دگرگونی‌ها و تغییرات اساسی دانستند. در این دوره، سیل کمک‌های بلا عوض آمریکا به صورت گندم و آرد، به طرف تعاونی‌های روستایی سرازیر شد و سپس چون برنامه‌های اصولی دیگر، اصلاحات ارضی را دنبال نکرد، افزایش تولید زمین را در پی نداشت و حتی در بخش مربوط به زارعی که تازه صاحب زمین شده بودند، کاهش تولید نیز وجود داشت. به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌گردد:

امرابی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «پیامدهای اقتصادی اصلاحات ارضی در لرستان» به انجام رساندند. با توجه به اقلیم جغرافیایی خاص و زندگی کشاورزی، و شبانی محوری که در ایران و لرستان نهادینه و رایج بود، زمین و مالک و رعیت، مناسبات سیاسی و اقتصادی هر منطقه را مشخص می‌کردند. اصلاحات ارضی که با فرمان شاه در سال ۱۳۴۱ برای برون رفت از بسیاری تنش‌های اجتماعی داخلی و بیرونی جهت رشد و توسعه و پیشرفت و بهبود شاخص‌ها طراحی و اجرا شد، در استان‌های مختلف با واکنش‌های گروه‌های مختلف همراه بود.

این مقاله به روش توصیفی-تبیینی و با اتکاء به کتب، اسناد آرشیوی و انجام مصاحبه در صدد پاسخ به این پرسش می‌باشد که اجرای قانون اصلاحات ارضی در مناطق تابعه لرستان چون رومشگان چه پیامدهای اقتصادی به همراه داشت؟ یافته‌ها حکایت از آن دارد که در رومیشگان ساختار ناهمگون اجتماعی-اقتصادی و سیاسی با توجه به قدرت منطقه‌ای زمین داران و رعیت باعث شد آنچه که به عنوان قانون و نحوه اجرا و تقسیم املاک بین مالک و رعیت از تهران تا رومشگان اجرا شد، تفاسیر مختلفی بر اساس منفعت مادی و معنوی طرفین صورت گرفت و عدم آگاهی ماموران اجرایی و رعیت در مقابل قدرت مالکین باعث تنش‌های زیادی در منطقه رومشگان شد. مالکین با آگاهی از این موضوع که با اجرای قانون اصلاحات ارضی و از دست دادن زمین‌های زراعی به نفع کشاورزان از تعدیات و مزایای قبل، چون بهره مالکانه و پیشکش‌های مرسوم محروم می‌شوند، با تهدید و سوء استفاده از قانون اصلاحات ارضی و دزدن قوانین به نفع خود از ثبت زمین‌ها به نفع زارعین خودداری نمودند. این موضوع شکایت کشاورزان و دادخواهی آنان به مقامات مختلف استانی و کشوری را به همراه داشت که در بسیاری موارد به سرانجام نرسید و این زمین‌ها همچنان در اختیار مالکان قرار گرفت و مناقشات زیادی را به همراه داشت. در جریان اصلاحات ارضی مالکان فقط زمین‌های اطراف روستا که به اصطلاح مردم رومشگان "خرچری" و قابل کشت نبودند را به رعایا واگذار نمودند. در مرحله دوم و سوم نیز واگذاری قابل توجهی صورت نگرفت و بیشتر ماموران اصلاحات ارضی و ژاندارمری‌های منطقه در پی حل و فصل نزاع‌ها و درگیری بین طرفین بودند. نظامیان با حمایت از مالکان و اعمال نفوذ طبقه مالک بر مراجع ذی صلاح چون دادگستری لرستان از عوامل سلب مالکیت بر کشاورزان تا سالهای پایانی حکومت پهلوی بود.

قلیجی و نورائی (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ش/۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸م بر جمعیت شهری» اذعان نمودند که از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ش مستمر افزایش یافت. اجرای اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ش، از جمله این برنامه‌ها بود که تغییراتی در ساختار مالکیت ارضی و به تبع آن، دگرگونی‌هایی در ساخت طبقات اجتماعی اقتصادی روستایی ایجاد کرد. مقاله حاضر با رویکرد توصیفی تحلیلی در صدد پاسخ به این پرسش است: تحولات جمعیتی پس از اصلاحات ارضی در ایلام، چه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی داشت؟ نتایج پژوهش از آن حکایت دارد که هدف اصلاحات ارضی ایجاد تعادل در مالکیت ارضی و بهره‌مندی منطقی روستاییان از مالکیت بود؛ اما نتیجه متفاوت بود و بیشتر دهقانان به علت کمبود اعتبار و سرمایه و نبود زمین مناسب، استقلال خود را از دست دادند و نفوذ مالکان کاهش نیافت و وضع اقتصادی دهقانان به تدریج ضعیف‌تر نیز شد. این وضعیت آرزوهای

روستاییان را خواه درباره اصلاحات ارضی و خواه در زمینه دیگر سیاست‌های کشاورزی دولت تا حد بسیاری نابود کرد. همین مسئله در استان ایلام نیز رخ داد و مهاجرت روستاییان به شهر و افزایش جمعیت و حاشیه‌نشینی در شهر ایلام را به دنبال داشت. حاشیه‌نشینی در این شهر باعث این مشکلات شد: گسترش آسیب‌های اجتماعی، تخریب زمین‌های کشاورزی، توسعه فیزیکی شهر در زمین‌های نامناسب و ایجاد محله‌های فقیرنشین.

فروغی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران بر زندگی کشاورزان در رمان‌های سیاسی و اجتماعی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی» اذعان نمودند که هدف: «انقلاب سفید» یا «انقلاب شاه و مردم» نام مجموعه‌ای از برنامه‌های اصلاحی اجتماعی و اقتصادی بود که توسط رژیم محمدرضا پهلوی طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی، تحت فشارهای فزاینده داخلی و خارجی برای انجام اصلاحات آغاز شد. برنامه‌ی اصلاحات اساساً شامل اصلاحات ارضی و پنج برنامه‌ی دیگر بود که در فروردین ۱۳۴۱ به تصویب رسید. برنامه‌ی اصلاحات ارضی بخش عمده و هسته‌ی انقلاب سفید بود. اجرای اصول شش‌گانه‌ی انقلاب و به طور خاص اصلاحات ارضی پیامدهای مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در روستاها و شهرهای ایران برجای گذاشت و حتی عده‌ای از صاحب نظران این پیامدها را از دلایل اصلی براندازی سلطنت پهلوی می‌دانند. از جمله مطالعاتی که می‌تواند در بررسی اثرات مختلف اصلاحات ارضی مورد توجه و مطالعه قرار گیرد جامعه‌شناسی ادبیات با تأکید بر رمان‌های اجتماعی شاخصی است که در دوره‌ی زمانی ۱۳۴۰ تا پایان دهه‌ی ۱۳۵۰ شمسی نگارش و چاپ شده‌اند. جامعه‌شناسی ادبیات شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی است که ساخت و کارکرد اجتماعی ادبیات و رابطه میان جامعه و ادبیات و ساختارها و قوانین حاکم بر آن‌ها را بررسی می‌کند. هدف از این پژوهش تبیین و تشریح و تحلیل پیامدهای اصلاحات ارضی بر کشاورزان و بازتاب آن در رمان‌های اجتماعی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. روش تحقیق اسنادی-کتابخانه‌ای است. گردآوری اطلاعات در این پژوهش با استفاده از فیش برداری اسناد و نشریات تخصصی و تحلیل رمان‌های سیاسی و اجتماعی این دوره با محوریت زندگی کشاورزان است. یافته‌ها و دستاوردها: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در این دوره نویسندگان در قالب رمان و شخصیت‌های آن به انتقاد از وضع موجود کشاورزان پرداخته و اصلاحات ارضی را عاملی در بدتر شدن شرایط کار و زندگی در روستاها می‌دانند.

آبادیان، حسین (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستاییان به شهر تهران. تحقیقات تاریخ اجتماعی» به انجام رساندند. مقاله حاضر علل و عوامل و نتایج مهاجرت‌های روستائی به شهر تهران در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی را مورد ارزیابی قرار میدهد و نقش عامل اصلاحات ارضی را در این زمینه مورد بحث قرار میدهد. در این مقاله

نشان داده شده برنامه ریزی‌های نامتوازن توسعه اجتماعی، تضعیف اقتصاد کشاورزی، به همراهی بی‌توجهی به روستا و تاکید بیش از حد بر گسترش، عمران و نوسازی بافتهای شهری تهران، نقشی کلیدی در این مهاجرتها ایفا کرده است. یکی از نتایج این موضوع، زایش و گسترش پدیده حاشیه نشینی در شهر تهران بود که پیامدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی برجای گذاشت. در این مقاله منابع و ماخذ گوناگون آرشیوی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و از گزارشهای آماری استفاده فراوان شده است. روش این تحقیق توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری پژوهش هم شهر تهران است. تاکنون درباره مهاجرتها شهر به شهر و روستا به شهر تحقیقات زیادی انجام شده، لیکن به شکل آماری تبعات مهاجرتها روستائی به شهر تهران در مقطع زمانی مورد بحث، مورد ارزیابی قرار نگرفته است، پس ضرورت نگارش این مقاله در بررسی زمینه‌های شکل‌گیری کلانشهر تهران و نقش مهاجرتها در این فرایند خلاصه میشود.

خرمشاد و موسی نژاد (۱۳۹۶) پژوهشی با عنوان «بررسی پیامدهای اجتماعی سیاست تقسیم اراضی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای روش AHP» به انجام رساندند. سیاست‌گذاری تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در دستور کار نهادهای حاکمیتی قرار گرفت. ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی در وضعیت زمین و زمین داری در کشور، تمرکز شعارهای انقلاب بر عدالت اجتماعی و درخواست‌های روستائیان برای تغییر در شیوه زمین داری از عواملی بودند که موجب شد تا این مساله مورد توجه قرار بگیرد. این فرآیند که از سال ۱۳۵۸ آغاز شد و تاکنون با فراز و نشیب‌هایی تداوم یافته است، دارای پیامدهایی در فضای اجتماعی روستاها و بالتبع کشور بوده است. مقاله پیش رو حاصل پژوهشی است که بدلیل موضوع نو و بدیع، در آن از روش مصاحبه عمیق برای گردآوری اطلاعات و داده بهره گرفته شده است. این مقاله در پی پاسخ به این سوال است که پیامدهای اجتماعی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران چیست؟ برای پاسخ به این سوال، ضمن رجوع به نخبگانی که در هیات‌های ۷ نفره تقسیم زمین در اوایل انقلاب مشغول به کار بوده‌اند و یا به نوعی در وضع و تصویب قوانین مربوط به زمین در جمهوری اسلامی ایران سهیم بودند، به گردآوری داده در مورد پیامدهای اجتماعی تقسیم اراضی پرداخته شد. تقویت بنیان‌های اقتصادی و اجتماعی روستاها، تقویت و تشویق همکاری جمعی بین روستائیان با شکل‌گیری نظام بهره برداری مشاع، جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی پیامدهای اجتماعی تقسیم اراضی انقلاب اسلامی ایران می‌باشد. با تدوین پرسشنامه جدیدی مجدداً به نخبگان مذکور مراجعه شده و به اولویت بندی پیامدهای اجتماعی تقسیم اراضی در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

عزمی و امیری پریان (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی

اصلاحات ارضی (قبل از انقلاب اسلامی) بر اجتماع روستایی - مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه» به انجام رساندند. اصلاحات ارضی مهمترین رویداد اقتصادی، اجتماعی روستاهای ایران است و لذا بررسی و مطالعه آن از جنبه‌های مختلف ضرورت دارد. در این مقاله به بررسی دیدگاه روستاییانی پرداخته می‌شود که آن دوره را به یاد داشته و بعد از گذشت نزدیک به ۵۰ سال به ارزیابی آن می‌پردازند. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی از نوع غیر آزمایشی (پیمایشی) است و از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات بهره برده شده است. جامعه آماری شامل ۳۰ نفر بوده است و نمونه‌گیری از طریق روش گلوله برفی صورت گرفته است. برای محاسبه پایایی تحقیق از آفای کروناخ و برای روایی تحقیق از نظر متخصصان جغرافیا و علوم اجتماعی استفاده شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که از بعد اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی برای روستاییان مفید بوده است. گسترش عدالت، کاهش نابرابری، حذف نظام ارباب رعیتی از جمله نقاط قوت آن بوده است. در مقابل تکه تکه شدن اراضی و وابسته شدن دهقان‌ها به دولت از جمله مشکلات اصلاحات ارضی بوده است.

این پژوهش در جستجوی پاسخ به این سؤال است که پیامدهای اجتماعی و تاثیرات هنجاری اصلاحات ارضی در ایران چیست؟

## ۱) مبانی نظری

### تعریف اصلاحات ارضی<sup>۱</sup>

از اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه‌ی ۴۰ که اصلاحات ارضی در ایران به وقوع پیوست تا کنون همواره تعاریف مختلفی از اصلاحات ارضی ارائه شده است. درباره اصلاحات ارضی، صاحب نظران موافق مقتضیات جامعه خود و از دید رشته‌های تخصصی خویش و به واسطه جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آن نظریات متفاوت و غالباً متناقضی ابراز داشته‌اند. بنابراین از نظر افراد مختلف دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در اینجا تمام تعاریف ارائه شده و نظرات مختلف به طور خلاصه در غالب چند دیدگاه آورده شده است (نوروزی و شهبازی، ۱۳۹۹).

**دیدگاه اول:** دیدگاه اول اصلاحات ارضی را مجموعه عملیات و اقدامات در جهت دگرگونی ساختار ارضی می‌دانند. در این میان تعریف بویس و همکاران (۲۰۰۵). در مورد اصلاحات ارضی مورد اهتمام بسیار است. طالب به نقل از جان لوکوز بیان داشت: اصلاحات ارضی عبارت است از، مجموعه عملیات و اقداماتی که در جهت دگرگونی ساختار ارضی در سطوح یک کشور یا منطقه به منظور اصلاح روابط اجتماعی برای تامین شرایط لازم در کاربرد فنون جدید کشاورزی و نیز

به منظور افزایش تولیدات کشاورزی صورت می‌گیرد (بویس و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵).  
**دیدگاه دوم:** در این دیدگاه اصلاحات را به معنای مجموعه برنامه‌هایی که برای حل مسائل زمین داری به کار می‌رود، می‌دانند و آن را وسیله‌ای برای مداخله دولت در حقوق مالکیت خصوصی افراد پنداشته‌اند و معتقدند که هدف اساسی اصلاحات ارضی تغییر ترکیب طبقاتی جامعه و از بین بردن قدرت نفوذ طبقه عمده مالکان و ایجاد ثبات سیاسی است (آداموپولوس و رستوچیا<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰).

**دیدگاه سوم:** برخی دیگر از دانشمندان معنای وسیع‌تری برای اصلاحات ارضی قائل می‌شوند و آن را شامل کلیه فعالیت‌های لازم برای توسعه کشاورزی، افزایش بازده محصولات و بهبود زندگی روستاییان می‌دانند. از این رو اصلاحات ارضی را می‌توان به عنوان یک نهضت اجتماعی که هدف آن تغییر روابط زمین داری به نفع کشاورزان است، تعریف کرد. بدیهی است تغییر روابط زمین داری متضمن تغییرات اساسی از جمله تغییر اراضی بزرگ، بهبود روابط اجتماعی در زمینه بهره برداری کشاورزی و تغییر روابط قدرت و ترکیب طبقاتی جامعه است (بهر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸).

### اشکال یا انواع اصلاحات ارضی

انواع اصلاحات ارضی از نظر روابط انسانی و زمینی که در آن مشغول به کار هستند یا بر اساس حقوق مرتبط با زمین، طبقه بندی می‌شوند. که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

**۱. توزیع مجدد<sup>۴</sup>:** این شکل از اصلاحات ارضی شامل توزیع مجدد حقوق زمین از یک بخش یا مالکان زمین به افرادی است که هیچ زمینی ندارند. این گونه از اصلاحات مستلزم تغییر اساسی در حقوق و دارایی هاست. به عنوان مثال، با خصوصی‌سازی زمین‌های دولتی یا گرفتن زمین‌های بزرگ از مالکان و تقسیم کردن بین افرادی که زمین ندارند. این برنامه برای تامین زمین برای فقرا به منظور بهبود وضعیت معیشت آن‌ها فراهم شد (قرشی و داوودی، ۱۳۹۷). توزیع مجدد اصلاحات ارضی فرآیندی است که به موجب آن زمین از کشاورزان در مقیاس بزرگ گرفته می‌شود و به افراد فقیر و محروم فاقد زمین اعطا می‌شود. این نوع اصلاحات ارضی اغلب پس از شرایط درگیری و تحولات اجتماعی رخ می‌دهد. اصلاحات ارضی با توزیع مجدد زمین باعث افزایش تولید محصولات کشاورزی و کاهش فقر می‌شود. اصلاحات ارضی در تعدادی از

- 
1. Boyce et al
  2. Adamopoulos & Restuccia
  3. Behr et al
  4. Redistributive land reform

کشورها از جمله مصر، چین، کره جنوبی و هند موفق بوده است (هارتویگسن<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴).  
**۲. تصرف یا تصدی زمین<sup>۲</sup>:** این سیستم مشخص می‌کند چه کسی می‌تواند از چه منابعی و برای چه مدت استفاده کند. این شکل از اصلاحات ارضی با هدف بهبود نوع مالکیت بر زمین‌هایی است که قبلاً افراد کشاورز روی آن کار می‌کردند ولی مالک آن نبودند. این نوع اصلاحات شامل تغییراتی در شکل مالکیت زمین و حقوق کاربران می‌باشد (کازنز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۶).  
 تصرف زمین اغلب به صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود:

الف) خصوصی<sup>۴</sup>: واگذاری حقوق مالکیت زمین به بخش خصوصی که ممکن است به صورت فردی، یک زوج، یک گروه از افراد، یک نهاد تجاری یا یک سازمان خصوصی باشد (هال و کپه<sup>۵</sup>، ۲۰۱۷).

ب) جمعی<sup>۶</sup>: تصرف جمعی به صورت یک حق مشترک در اجتماع است که هر یک از اعضای آن جامعه حق استفاده مستقل از آن دارایی را داشته باشند. مانند حق چراندن گاوها در مراتع مشترک (طریسای<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳).

ج) دسترسی آزاد<sup>۸</sup>: در این نوع دسترسی حقوق خاصی به کسی تعلق نمی‌گیرد مثل دسترسی به دریاها و جنگل. تفاوت آن با سیستم جمعی در این است که در سیستم جمعی فقط اعضای جامعه در استفاده از منابع مجاز هستند (اسکونز و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۱۴).

د) ایالتی<sup>۱۰</sup>: در این نوع سیستم حقوق مالکیت به برخی از مقامات دولتی واگذار می‌شود. به طور مثال در بعضی از کشورها اراضی جنگلی ممکن است تحت نظارت و کنترل دولت باشد (آنافو<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۵).

**۳. بازگرداندن زمین<sup>۱۲</sup>:** بازگرداندن یا احیای زمین شکل دیگری از اصلاحات ارضی است که به ندرت مورد بحث قرار می‌گیرد و همچنین به ندرت در بیشتر کشورها اجرا می‌شود. می‌توان ادعا کرد که این نوع از اصلاحات مشکل‌ترین شکل از اصلاحات ارضی است که شامل

- 
1. Hartvigsen
  2. Tenurial reform
  3. Cousins
  4. private
  5. Hall & Kepe
  6. Communal
  7. Tarisayi
  8. Open access
  9. Scoones et al
  10. State
  11. Anaafu
  12. Restitution



بازگشت زمین به مالکان قبلی یا فرزندان آنها می باشد (پیروتی دهبکری و همکاران، ۱۳۹۴). این طرح به دلیل فقدان سوابق مالکیت در آفریقای جنوبی بسیار کند و ناموفق پیش رفت. بازگرداندن زمین فرآیندی است که برای احیای حقوق زمین مالکان قبلی اجرا می شود. این اتفاق در کشورهای در حال گذار هنگام احیای حقوق خصوصی قبلی زمین صورت گرفت. کشورهای اروپای مرکزی و شرقی، آفریقای جنوبی و زیمبابوه نمونه هایی هستند که مسئله بازپرداخت زمین در آنها انجام شده است (کی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹).

**۴. یکپارچه سازی اراضی<sup>۲</sup>:** نوعی از اصلاحات ارضی است که به معنای تبدیل مزارع کوچک (با بهره وری پایین) به واحدهای کشاورزی بزرگ و اقتصادی می باشد. توسعه پایدار روستایی به تغییر ساختاری بستگی دارد (قرشی و داوودی، ۱۳۹۷). برای ایجاد تغییرات ساختاری در کشورهای توسعه یافته، سایر خدمات محورهای توسعه با یکپارچه سازی اراضی تقویت می شوند. هدف از یکپارچه سازی اراضی تلاش برای توسعه بنگاه های کشاورزی و بهبود وضعیت معیشت روستاهاست. امروزه این اهداف گسترش یافته و شامل افزایش بهره وری تولید، بهبود و حفظ ساختار روستایی است (منون و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷).

در ایران نیز مطالعات متعددی در زمینه آثار یکپارچه سازی اراضی انجام شده است که موید آثار مثبت آن در توسعه و بهبود وضعیت کشاورزی به لحاظ افزایش تولید محصولات کشاورزی و بهبود سطح درآمدی کشاورزان است (پیروتی دهبکری و همکاران، ۱۳۹۴). یکپارچه سازی اراضی تا ۳۰ درصد هزینه های تولید را کاهش داده و عملکرد در واحد سطح و راندمان آبیاری را تا ۲۰ درصد افزایش می دهد. افزایش راندمان تولید، کاهش ضایعات، مدیریت واحد در مزارع، کاهش مصرف سموم کشاورزی و جلوگیری از روند تغییر کاربری، افزایش عملکرد در واحد سطح، افزایش سطح زیر کشت، افزایش مبادلات و ارتباطات، افزایش درآمد بهره برداران و بهبود سطح زندگی روستاییان، کاهش هزینه های تولید، افزایش سرمایه گذاری جهت انجام امور زیر بنایی، از بین رفتن مرزهای غیر ضروری، جلوگیری از فرسایش خاک، کاهش مهاجرت روستاییان به شهرها، مکانیزه شدن کشاورزی، استفاده از دستاوردها و تجهیزات علمی و پیشرفته و بهبود کیفیت محصولات کشاورزی از جمله مزیت های توسعه طرح یکپارچه سازی اراضی است (نوروزی و شهبازی، ۱۳۹۹).

در کشورهایی که کشاورزی منبع اصلی اشتغال است اصلاحات ارضی ابزاری است که توسط دولت های سراسر جهان به منظور بهبود وضعیت معیشت افراد محروم به کار گرفته می

---

1. Kay  
2. Land consolidation  
3. Menon et al

شود (قرشی و داوودی، ۱۳۹۷). اجرای برنامه‌های اصلاحات ارضی از طریق سه شیوه، رویکرد دولت محور، اجتماع محور و بازار محور انجام می‌شود. هرگونه محدودیت و ضعف در این رویکردها مانع از موفقیت برنامه اصلاحات ارضی خواهد شد. در ادامه به تشریح روش‌های متداول رویکردهای اصلاحات ارضی می‌پردازیم:

## رویکردهای اصلاحات ارضی

### ۱- رویکرد دولت محور یا دولتمردانه<sup>۱</sup>

در این رویکرد، دولت یک سیاست آگاهانه برای توزیع مجدد اراضی در نظر می‌گیرد. اجرای این رویکرد که به صورت از بالا به پایین و روش‌های بوروکراتیک صورت می‌گیرد و دولت به عنوان مجری اصلی طرح، کل روند اصلاحات ارضی را هدایت می‌کند، در کل رویکرد دولت محور ممکن است محدودیت‌ها و اشکالاتی را داشته باشد از جمله: ممکن است دولت از وضعیت ذی نفعان غافل شود یا سوء تفاهم‌هایی در مورد سیستم‌های محلی حقوق مالکیت برخی از ذی نفعان از جمله دارندگان حقوق ثانویه و زنان ایجاد کند (مخابلا و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۸).

### ۲- رویکرد اجتماع محور یا مبتنی بر جامعه<sup>۳</sup>

می‌توان استدلال کرد که رویکرد مبتنی بر جامعه در مورد اصلاحات ارضی به عنوان نقطه متقابل و جایگزین برای رویکرد دولت محور استفاده می‌شود. این رویکرد واکنشی به خواسته‌ها و مطالبات سیاسی مردم برای منافع محلی است و بیشتر منافع افراد فقیر در نظر گرفته می‌شود. موضوعات مهمی که باید در اصلاحات ارضی مبتنی بر جامعه لحاظ شود، پاسخگویی به معیشت محلی، ارتباط با پویایی گسترده‌تر اقتدار، تعامل با نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای زیست محیطی است (اوبنگ اودوم<sup>۴</sup>، ۲۰۱۲). اصلاحات ارضی اسکاتلند نمونه‌ای از اصلاحات جامعه محور است که در آن جوامع حق خرید زمین‌هایی که از لحاظ تاریخی از آن‌ها بهره‌مند شده‌اند اعطا می‌شود (رامپا و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۰).

### ۳- رویکرد بازار محور

در این رویکرد، بازار زمین نقش مهمی در فراهم آوردن فرصت‌های دسترسی به زمین از طریق تسهیل معاملات زمین بین فروشنده و خریدار، یا بین مالکان زمین‌های کوچک یا افراد بی زمین بوسیله وام‌های دولتی و ابزارهای پشتیبانی مالی دیگر ایفا می‌کند. بدین صورت که در

1. State- led approach
2. Mkhabela et al
3. Community based approach
4. Obeng-Odoom
5. Rampa et al

کشورهای در حال توسعه دولت از طریق فراهم آوردن تسهیلات و وام، افراد فقیر را در خرید زمین از مالکان حمایت می‌کند. البته مالکان بزرگ تمایلی به فروش زمین‌هایشان ندارند و همین مسئله این طرح را دچار محدودیت می‌کند (والکر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). در کشوری مانند زیمبابوه مالکان خواستار قیمت‌های زیادی در قبال فروش زمین‌های خود شدند. کشورهای نظیر برزیل، کلمبیا، فیلیپین و آفریقای جنوبی از این رویکرد در اصلاحات ارضی خود استفاده کرده‌اند. اوبنگ اودوم (۲۰۱۲) برای این رویکرد دو فایده را عنوان می‌کند: یکی اینکه این رویکرد توسط ذی‌نفعان بهتر پذیرفته می‌شود. دوم اینکه این رویکرد کم‌هزینه‌تر است و برای منابع کم‌یاب دولت مفید است. علاوه بر این، این رویکرد منجر به ایجاد یک بازار فعال برای خرید و فروش زمین می‌شود. اگر این رویکرد به اندازه کافی توسط دولت حمایت شود افراد بی‌زمین یا کم‌زمین می‌توانند زمین خریداری کنند. ممکن است این رویکرد در جایی که توزیع زمین بسیار مناسب است روش مناسب و کارآمدی نباشد (یورگنسون<sup>۲</sup>، ۲۰۱۶).

به نظر می‌رسد که رویکرد اصلاحات ارضی در ایران بر مبنای اجتماع محور نبوده زیرا این رویکرد روابط زمین‌داری از پایین به بالا را تسهیل می‌کند. اصلاحات ارضی در ایران برای پاسخگویی به معیشت محلی زارعان و رفع نابرابری‌های اجتماعی برنامه ریزی و اجرا شد اما در عمل چنین توفیقی حاصل نشد و مسائل زیست‌محیطی در این برنامه نیز نادیده گرفته شد. و چون بازار خرید و فروش زمین در تسهیل معاملات زمین به طور مستقیم دخالتی نداشت و واگذاری زمین توسط دولت انجام می‌شد، پس نمی‌توان رویکرد بازار محور را مبنای آن دانست. از سوی دیگر چون اصلاحات ارضی با مداخله مستقیم دولت مرکزی و با مشارکت نیروهای نظامی و نظارت نهادها و دستگاه‌های اداری با روشی آمرانه از بالا به پایین و تقریباً بدون مخالفتی جدی آغاز شد، پس می‌توان آن را رویکردی دولت محور دانست (نوروزی و شهبازی، ۱۳۹۹).

### تبعات اجتماعی اصلاحات ارضی

به دنبال اصلاحات ارضی، طبق آمارهای رسمی، دو سوم روستاییان به خرده مالک تبدیل شدند، یک سوم باقی مانده روستاییان هم چنان فقیر باقی ماندند که به صورت فصلی روی زمین‌های دیگران کار می‌کردند؛ اما در مقام عمل در نیمه‌های دهه چهل شمسی کشاورزی مکانیزه و استفاده از تراکتور، و همچنین سایر تجهیزات جدید کشاورزی، باعث مهاجرت بیش از پیش مهاجران به سوی شهرهای بزرگ شد، زیرا این جماعت به دلیل تحولات ناشی از اصلاحات

ارضی بیکار شده بودند. این گروه‌های انسانی عمدتاً به سوی حاشیه شهرها به ویژه شهر تهران رانده می‌شدند، برخی از این مهاجران به کارگران غیر ماهر شهری مبدل شدند، عده‌ای به مشاغل غیر مولد روی آوردند و برخی دیگر روانه کوره پز خانه‌ها گردیدند و در حقیقت استثمار مضاعف می‌شدند (قرشی و داوودی، ۱۳۹۷).

نتایج دستاوردهای پژوهشی نشان می‌دهند در سال ۱۳۴۴ حدود ۶۲ درصد از کارگران مهاجر در تهران کارگران ساده بودند، ۱۲ درصد از این گروه کارگران نیمه ماهر و ۱۴ درصد کارگران ماهر به شمار می‌رفتند. طبق گزارش‌های مستندی که به سال ۱۳۵۱ در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی انجام شده است، ۹۱ درصد از نگهبانان شهر تهران که در مکان‌های عمومی، خانه‌های اعیان و اداره‌های دولتی کار می‌کردند، از مهاجرین روستائی بودند. نه درصد بقیه نگهبانان از شهرهای کوچک به تهران مهاجرت کرده بودند. به طور کلی ۷۲ درصد این گروه آماری، پیشتر کشاورز و خرده مالک بودند برخی از جماعت‌های مهاجر به شهر تهران که نمی‌توانستند با موازین و معیارهای فرهنگی شهر تهران منطبق شوند، ناچار به حاشیه نشینی وادار می‌شدند (احمدی باب دراز، ۱۳۹۶). از نظر اجتماعی این گروه‌ها نمی‌توانستند تعلق خاصی به یک طبقه معین داشته باشند، از نظر سیاسی حاشیه نشین‌ها نظم موجود را مورد تهدید قرار می‌دادند و از نظر اقتصادی درآمدی مشخص نداشتند. بالاتر اینکه از نظر فرهنگی اقشار حاشیه‌ای اجتماع در شهر تهران نمی‌توانستند خود را با موازین زندگی شهرنشینی و الگوهای آن وفق دهند؛ کلیه این عوامل منجر به بحران‌های هنجاری بین مهاجرین روستائی و بیش از همه حاشیه نشینان می‌شد (امرای و همکاران، ۱۴۰۱).

بخش عمده‌ای از اقشار حاشیه‌ای در کپرها، زاغه‌ها، حلبی آبادها و گودها زندگی می‌کردند، شغل اصلی آن‌ها تکدی گری، دوره گردی و دستفروشی، و کارگری در کوره‌های آجرپزی در حوالی جوادیه و یافت آباد و البته کارگری در شرکت‌های ساختمانی بود (احمدی باب دراز، ۱۳۹۶). در این دوره فرآیندهای صنعتی شدن<sup>۱</sup>، در کنار شهری شدن<sup>۲</sup> و مدرن شدن<sup>۳</sup> تشدید شد. بنابراین بسیاری از مهاجرین فقیر روستائی به عنوان کارگر غیر ماهر به عنوان مثلاً نظافت‌چی و یا پیشخدمت در مراکز بزرگ صنعتی به کار گماشته شدند. همچنین بعضی از خانواده‌های ثروتمند قبلی و مالکین سابق که در بخش شمالی شهر تهران زندگی می‌کردند، از این اقشار روستائی به عنوان باغبان و یا خدمتکار استفاده می‌نمودند. هیچ کدام از این اقشار، از بدیهی ترین حقوق یک شهروند عادی برخوردار نبودند، مضافاً اینکه هیچ گونه سیستم تأمین اجتماعی از این

1. Industrialization
2. Urbanization
3. Modernization

افراد حمایتی نمی‌کرد. در این بین برخی از مالکین سابق، مجتمع‌های عظیم کشاورزی را اداره می‌کردند و دارائی‌های فراوانی داشتند. این‌ها مزارع کشاورزی مکانیزه را دایر نمودند و به عبارتی به بخش نوظهور طبقه بورژوازی متکی به درآمدهای نفتی پیوستند (برزین و علی صوفی، ۱۳۹۷).

در این دوره زمانی قانون کاری که بتواند نیازهای روزمره جامعه کارگری را برطرف نماید و از آن‌ها در مقابل کارفرمایان حمایت کند، وجود خارجی نداشت. در برخی موارد قانون هائی بر روی کاغذ وجود داشت، لیکن هیچ‌گاه عملی نمی‌شدند. اکثریت قریب به اتفاق مهاجرین از نظام تأمین اجتماعی محروم بودند، بهره‌مندن شدن از بیمه‌های بهداشتی و پزشکی، از کارافتادگی و یا بیمه‌های بیکاری وجود خارجی نداشتند. بنابراین مهاجرین روستائی قادر نبودند مطابق با معیارهای زندگی شهری در یک جامعه صنعتی زندگی کنند، ضمن اینکه آن‌ها دیگر نمی‌توانستند با الگوهای زندگی اجتماعی روستائی به موجودیت خود ادامه دهند. آن‌ها از حمایت قانونی در نظام اداری بسیار پیچیده آن روز ایران برخوردار نبودند، و در عین حال حمایت‌های سنتی خانوادگی و یا قبیله‌ای را هم از دست داده بودند (برزین و علی صوفی، ۱۳۹۵).

کلیه این عوامل باعث می‌شدند تا اقشار حاشیه‌ای جامعه از رفتارهای فرهنگی یک اجتماع مدرن فاصله گیرند و به خارج جامعه پرتاب شوند. همچنین اقشار مهاجر و حاشیه نشین شهر تهران از سوی اقشار شهری طرد می‌شدند و به زندگی طفیلی خود در حواشی پایتخت ادامه می‌دادند در حالی که هیچ‌کار مولدی از آن‌ها ساخته نبود، آن‌ها ارتباط سست خود را با جامعه شهری از سر ناچاری تداوم می‌دادند بدون اینکه جذب جامعه شوند (عزمی و امیری پریان، ۱۳۹۴). این پدیده نه تنها فاصله عمیق و عظیم طبقاتی را شدت می‌بخشید، بلکه باعث می‌شد تا اقشار حاشیه‌ای اجتماع بیش از پیش در برابر جنایت، فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های اجتماعی آسیب‌پذیر شوند. اهمیت موضوع در این بود که احساس ترس از تنهائی، گوشه‌گیری و فقدان امنیت اجتماعی بعضی از این اقشار حاشیه‌ای را به سوی افزایش جنایت، سوق داد و این پدیده ارتباط مستقیمی با افزایش جمعیت و گسترش حاشیه نشینی داشت (کیان و همکاران، ۱۳۹۹).

این فاصله عظیم طبقاتی در دهه هفتاد هم ادامه یافت و شدت پیدا کرد، در این دهه روند مهاجرت روستاییان به شهر تهران و گسترش حاشیه نشینی شکلی بسیار گسترده پیدا کرد. با اینکه در این مقطع تاریخی به ظاهر بحث اصلاحات ارضی خاتمه یافته بود، اما واقعیات نشان می‌دادند این طرح به سرانجام در خور توجهی نرسیده و عملاً برنامه‌های آن ناکام مانده است. در این دهه صاحبان املاک و برخی خرده مالکان ثروتمند نفوذ خود را بر روستاها حفظ کردند. آن‌ها موقعیت خود را با برقراری ارتباط با مأموران حکومتی حفظ نمودند، به سازمانهای دولتی که با مسائل روستائی ارتباط داشت و البته به جاهائی مثل شوراهای روستاها وارد شدند، همچنین به

تعاونی‌های دولتی پیوستند و حتی برخی از زمین داران بزرگ وارد احزاب سیاسی حکومتی شدند و به این شکل توانستند به نفوذ خویش ادامه دهند (رعنائی و بیگدلی، ۱۳۹۵).

برخی از کشاورزان وادار شدند پول‌هائی از نزول خواران دریافت نمایند تا زمینه‌ای خود را به زیر کشت ببرند، نزول خواران در برابر قرضی که به کشاورزان میدادند؛ سودهای هنگفتی مطالبه می‌کردند. اگر کشاورزی نمیتوانست اقساط بدهی خود را به موقع پرداخت نماید، باید زمین خویش را به نزول خوار واگذار می‌کرد و یا اینکه وادار می‌شد زمین خود را بفروشد تا بتواند بدهی خویش را به نزول خوار پرداخت کند. از سوئی بعد از اصلاحات ارضی نزول خواران، تجار روستائی، و کسانی که وسایل لازم برای کشاورزی مثل گاو، تراکتور و کمباین در اختیار داشتند، درآمد بسیار بیشتری در مقایسه با کشاورزان به دست می‌آوردند؛ این درآمد ناشی از اجاره دادن وسایل کشاورزی به روستاییان بود. در سال ۱۳۵۵ هشتاد و یک هزار تاجر در بخش کشاورزی و عمده فروشی روستاهای ایران حضور داشتند، هفتاد هزار تن در مشاغلی مثل بازاریابی و فروش محصولات فعالیت می‌کردند، (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۰)؛ علاوه بر این کشاورزان ناچار بودند محصولات خود را به نرخ بسیار نازل به دلالتان بفروشند. اما این دلالتان کالاها را به شهرهای عمده صادر می‌کردند، تهران به دلیل تراکم جمعیت و برخورداری از خطوط مواصلاتی بهتر، از نخستین مراکز صدور این کالاها به شمار می‌رفت. این دلالتان محصولات خود را به واسطه‌ها و کسبه می‌فروختند و بهائی بسیار بیشتر دریافت می‌کردند، به عبارتی سود حاصله از کشت محصولات کشاورزی بیشتر عاید نزول خواران و دلالتان و عمده فروشان و کسبه می‌شد تا زارعان اما در ادامه به مهمترین این آثار و تبعات اجتماعی خواهیم پرداخت:

#### ▪ مهاجرت روستاییان به شهرها

در ایران معاصر از سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ سه عامل در مهاجرت روستاییان به شهرها و شکل‌گیری پدیده حاشیه نشینی نقش داشته‌اند. بر اساس طرح اصلاحات ارضی، زمین‌های مالکین بین روستاییان تقسیم شد، اما روستاییان به تنهایی پولی نداشتند تا زمین‌ها را زیر کشت ببرند، بنابراین عملاً زمین‌های کشاورزی فاقد حاصلخیزی قابل توجه می‌شدند. دیگر این که زمین‌های کوچک ارزش اقتصادی نداشتند تا در آنها محصولی کشت شود. به همین دلیل دهقانان زمین‌های خود را فروخته و برای کارگری به شهرها مهاجرت کردند. در کنار این عوامل، فرایند صنعتی شدن، در کنار شهری شدن و مدرنیزاسیون شدت پیدا کرد، و روستاییان را ترغیب به مهاجرت به شهرها نمود (قلیچی و نورائی، ۱۳۹۹).

#### ▪ تغییرات نظام اجتماعی روستاها پس از اصلاحات ارضی

یکی از نتایج اصلاحات ارضی تغییراتی است که در نظام اجتماعی روستاها به وجود آورد و

این تغییرات در جنبه‌های مختلف زندگی روستاییان مشهود است. تغییرات به وجود آمده در نحوه‌ی کشت، داشت و برداشت، باعث متلاشی شدن نظام تولیدی جمعی به گونه‌ی صحرا یا بنه، ارتقای قشر زارع سهم بر و محو قشر بزرگ مالک و مباشر و گاو بند شد که این تغییرات در روابط گروه‌ها بی اثر نبوده است. در جریان اصلاحات ارضی رعایای سابق صاحب زمین شدند و به صورت مالکین زمین ارتقای اجتماعی یافته و در قشر بالای ده قرار گرفتند. چون اراضی مزروعی فقط بین رعایای صاحب نسق تقسیم شده بود، روابط دوستانه‌ی قشر خوش نشین و زارعین به تیرگی انجامید و نوعی خصومت نهان بین این دو قشر به وجود آمد که گاه به گاه علنی می‌شود. این دوگانگی و فاصله اجتماعی در روستاها هم اکنون نیز مشهود است. خوش نشینان به عضویت انجمن‌های ده در نیامدند و به شرکت‌های تعاونی راه نیافتند. در نتیجه این تمایزات روحیه‌ی عدم مشارکت شدیدی در بین آنها نسبت به امور مختلف ده ایجاد شد و در ایجاد تاسیسات عمومی نظیر مدرسه، حمام، جاده و... مشارکتی نکردند (امرایبی و همکاران، ۱۴۰۱).

#### ▪ افزایش جمعیت

برنامه اصلاحات ارضی، کشور را از نظر خدمات اجتماعی دچار تحول کرد و سبب افزایش جمعیت به طرز چشم‌گیری شد. میزان مرگ و میر کاهش یافت و امید به زندگی که از شاخص‌های میزان سلامتی است افزایش یافت. نرخ زاد و ولد هم که در گذشته در روستاها و شهرها بالا بود. همه این عوامل سبب افزایش جمعیت گردید (رعنایی و بیگدلی، ۱۳۹۵).

کارگر اسفندآبادی و رحیمی آثار و پیامدهای اصلاحات ارضی را در قالب موارد زیر عنوان کرده اند:

- ✓ تغییر شیوه زندگی روستاییان
- ✓ تقطیع اراضی
- ✓ پیدایش و رشد سریع بورژوازی روستایی
- ✓ گسترش بهره برداری‌های خانوادگی
- ✓ آزادی عمل دهقانان در امور کشاورزی
- ✓ آزادی عمل روستاییان در امور مختلف زندگی
- ✓ گسترش نفوذ دولت در روستاها
- ✓ تعاونی روستایی به عنوان جانشین مالک در روستا (کارگر اسفندآبادی و رحیمی، ۱۳۹۶).

## الف) اثرات اقتصادی

- ◀ تغییرات سازمان تولید
- ◀ تغییرات سطح زیر کشت و بازده محصولات
- ◀ تغییر حجم سرمایه گذاری و هزینه های جاری کشاورزی
- ◀ تغییر درآمد خانوارهای زارع

## ب) اثرات و پیامدهای اجتماعی

- ◀ تغییر بنیان و ترکیب طبقاتی ده
- ◀ توزیع عادلانه عوائد کشاورزی
- ◀ تغییر روش و نحوه اتخاذ تصمیم
- ◀ نتایج و پیامدهای سیاسی
- ◀ گسترش آزادی‌های فردی
- ◀ رشد حکومت دموکراسی
- ◀ توسعه عدالت اجتماعی
- ◀ تحکیم مبانی همبستگی ملی و ثبات سیاسی (کرمی، ۱۳۹۸).

## ج) اثرات و پیامدهای سیاسی

- ◀ گسترش آزادی‌های فردی
  - ◀ رشد حکومت دموکراسی
  - ◀ توسعه عدالت اجتماعی
  - ◀ تحکیم مبانی همبستگی ملی و ثبات سیاسی (فروغی و همکاران، ۱۳۹۷).
- از نظر شاهسوارلو (۱۳۹۰: ۷)، نیز نتایج و پیامدهای اصلاحات ارضی را می‌توان به ۵ دسته تقسیم کرد:

۱- **اقتصادی:** خرد شدن مالکیت و افزایش بهره‌وری و استفاده از ماشین‌آلات و فنون کشاورزی، پذیرش افکار نو توسط روستاییان، دشواری تهیه آب، پدید آمدن خلاء مالی و اعتباری در روستاها

۲- **اجتماعی:** از تاثیرات اجتماعی اصلاحات ارضی می‌توان به افزایش انعطاف و تحرک در جامعه روستایی اشاره نمود و اینکه رعیت با منزلت کمتر به خرده مالک برتر تبدیل شده به گفته ی دکتر اسماعیل عجمی "با فروختن اساس قدرت گذشته در دهات سازمان جدیدی که بر همکاری و مشارکت افراد استوار باشد هنوز تکوین نیافته است. شرکتها فقط در زمینه اعتبارات کشاورزی و تهیه نفت و پارچه فعالیت دارند. لذا دایره نفوذ و قدرت مدیر عامل آن در سایه شئون



زندگی اقتصادی و اجتماعی ده بسیار محدود می باشد در حال حاضر یک نوع خلاء قدرت در ده دیده می شود که باید با تقویت شرکت تعاونی و توسعه فعالیت و تشکیلات انجمنی ده پر شود تا امور اجتماعی و اقتصادی سامان گیرد.

و از جمله پیامدهای اجتماعی دیگر: گسترش تشکیلات دولتی و ورود ماموران به دهات و افزایش انجمن های ده و رواج شرکتهای تعاونی برای حمایت از روستاییان و از بین رفتن حمایت فئودالی.

**۳- نتایج سیاسی و اداری:** انتخاب کدخدا به انجمن ده واگذار شد و ماموران دولتی به ده وارد شدند. مالکیت زمین در انتخاب مالک قرار گرفت و شرکتهای تعاونی به وجود آمدند.

**۴- نتایج روانی:** خوش بینی و امیدواری زارعین، و همچنین به وجود آمدن نوعی دوگانگی در نظام اجتماعی ده بین خوش نشینان که سهمی از زمین نبرده بودند و ناراضی بودند از پیامدهای اصلاحات ارضی می باشد (کیان و همکاران، ۱۳۹۹).

#### د) پیامدهای فرهنگی

- ◀ نفوذ فرهنگ شهری در روستاها
- ◀ تغییر در خلقیات و نفسانیات و رفتارهای روستاییان از جمله افزایش علاقه به کار
- ◀ افزایش اعتماد به نفس و یافتن استقلال
- ◀ ظهور پرخاشگری و دفاع از منابع شخصی و اعتراض جویی
- ◀ کاهش اعتماد به نمایندگان مذهب، ... (آبادیان، ۱۳۹۷).

#### پیامدهای اصلاحات ارضی بر ساختار اجتماعی

یکی از مشخصه های اصلی جامعه روستایی پیش از اصلاحات ارضی، وجود سیستم ارباب رعیتی بود که بر اساس آن اکثر روستاهای ایران در دست عده ای مالک متنفذ و ثروتمند قرار داشت و قشر عظیمی از کشاورزان بر روی زمینهای اربابان مشغول کار بودند به این ترتیب بین اربابان و رعایا یک خلاء و فاصله طبقاتی عمیقی وجود داشت با گشوده شدن راه برای اصلاحات ارضی ساختار طبقاتی روستایی به هم ریخت برجیده شدن مناسبات ارباب رعیتی باعث شد دو نظام جداگانه تولیدی در کنار هم به وجود آید یکی نظام معیشتی متعلق به دهقانان و دیگری نظام سرمایه داری متعلق به مالکین سابق که با اجیر کردن کارگران کشاورز بیشتر برای فروش به بازار و کسب سود و انباشت سرمایه دست به تولید میزدند در این بین تعدادی از زارعین مرفه تر بخش معیشتی در بخش نظام سرمایه داری جذب شدند (رعنائی و بیگدلی، ۱۳۹۵). با افزایش روند صنعتی شدن مناسبات سرمایه دارانه نیز در جامعه گسترش یافت تحول در قشر بندی درونی طبقات در این دوره قابل اعتناست، قشر بندی درونی طبقه سرمایه دار به نفع قشر

مدرن در برابر قشر سنتی و در جهت گسترده‌تری قشر صنعتی در مقابل قشر کشاورز تحول یافت. با اجرای اصلاحات ارضی و حذف قدرت مالک در روستا ساختار طبقاتی این اقشار نیز از هم پاشیده شد. با استقلال کشاورزان جایگاه و منزلت اجتماعی آنان ارتقا یافت در این میان اقشار تحصیل کرده نظیر معلمان و بهیاران که از شأن و منزلت اجتماعی والایی نزد مردم برخوردار بودند، به جمعیت روستا افزوده شد. بی‌تردید مالکیت کشاورزان بی‌زمین از بین رفتن رابطه ارباب رعیتی و حذف قدرت مالک در روستا از مهمترین دلایل تحول در ساختار اجتماعی منطقه محسوب می‌شود (آبادیان، ۱۳۹۷).

### پیامدهای هنجاری اصلاحات ارضی

#### ۱) سیطره ادبیات مارکسیستی در فضای کشورهای جهان سوم

چیرگی و رواج ادبیات مارکسیستی در جهان و به خصوص در فضای کشورهای جهان سوم در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی (معادل دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی) مشهود و نمایان است. عوامل چندی در این رواج و گسترده‌گی مارکسیسم دخیل بودند که می‌توان آنها را اینگونه برشمرد. شاید مهم‌ترین دلیل محتوی مارکسیسم به عنوان یک علم مبارزه (ایدئولوژی مبارزه) در نزد حاملان آن است. حامیان و پیروان مارکسیسم آن را به یک ایدئولوژی پذیرفته که می‌تواند برای تمام زندگی فکری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... برنامه و روش داشته باشد، در عین حال که به عنوان یک آلترناتیو جدی در برابر استبداد حاکم بر کشورها می‌تواند مطرح باشد. هم‌چنین برخی از کشورها نظیر چین، ویتنام، کوبا و ... توانسته بودند با استفاده از ایدئولوژی مارکسیستی به استقلال دست پیدا کنند. در عین حال نام و آوازه قهرمانان، این کشورها مانند چه‌گوارا، کاسترو، پاتریس لومومبا، مائو و دیگران در فضای بسیاری از کشورهای جهان سوم همواره در طنین بود. هم‌چنین صبغه و سابقه استعماری در مورد مارکسیسم مشاهده نشده بود و این در حالی بود که کشورهای اروپایی (مثل انگلستان، فرانسه و ...) در کنار ایالات متحده آمریکا به عنوان نماد امپریالیسم و استعمارگری در جهان شناخته می‌شدند. هم‌چنین این ایدئولوژی از طرف بسیاری از روشنفکران و هنرمندان برجسته جهان سوم پذیرفته شده بود. در واقع، «در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، در شرایطی که سرمایه داری و لیبرالیسم غربی به دلیل استعمار و استثمار و امپریالیسم نکوهش می‌شد، مارکسیسم به یکی از گفتمان‌های پرنفوذ در بسیاری از کشورهای جهان سوم تبدیل شده بود. این گفتمان با شعارهای ضد سرمایه داری و ضد استعماری و با تأکید بر عدالت و برابری، توده‌های فقیر رنجیده از استعمار و سرمایه داری را به خود جذب می‌کرد. در ایران نیز با توجه به جو استعمارستیزی که در سال‌های دهه بیست و بویژه در دوران نهضت ملی به وجود آمد مفهوم‌ها و اندیشه‌های مارکسیستی محبوبیت یافت و

اندیشه ایرانی را تحت تأثیر خود قرار داد.» (حسینی زاده، ۱۳۸۶)

## ۲) گسترش اسلام سیاسی

در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم ما شاهد رونق گیری اسلام سیاسی در کشورهای مسلمان هستیم. این اسلام سیاسی با توجه به فضای خاص دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی شکل رادیکال و ایدئولوژیک (ملهم از اندیشه‌ی چپ) به خود گرفت. این مهم را می‌توان در اندیشمندانی مانند سید قطب و گروه‌ها و سازمان‌های مسلحی مانند اخوان المسلمین مشاهده کرد. اسلام سیاسی رادیکال و ایدئولوژیک مدعی و خواهان ایجاد یک حکومت اسلامی است که مطابق شریعت و احکام اسلامی و قرآنی اداره شود و به شدت خصلت ضد استبدادی و ضد استعماری و امپریالیستی دارد. تفسیر ایدئولوژیک و انقلابی از اسلام، مبارزه با بورژوازی، برابری طلبی، اصالت دادن به رهبری و بی‌اعتنایی به دموکراسی، ضدیت با سرمایه داری و لیبرالیسم از ویژگی‌های آن است. در عین حال اسلام سیاسی رادیکال به عنوان یک آلترناتیو و جایگزین جدی هم در برابر اندیشه‌ی مارکسیستی و هم در برابر نظام‌های استبدادی حاکم بر کشورهای مسلمان مطرح است. هم چنین در برابر اندیشه‌های چپ و لیبرالی توجه بیشتری به سنت‌ها و بافت جامعه در کشورهای اسلامی و مسلمان دارد. وجود این دیدگاه‌ها باعث شد تا اسلام سیاسی رادیکال و ایدئولوژیک به طور جدی مقبول روشنفکران و نسل جوان و دانشگاهی کشورهای مسلمان قرار بگیرد. گسترش این نوع اسلام سیاسی در کشورهای مسلمان بر ایران نیز تأثیر خود را باقی گذاشت بطوریکه ما شاهد ترجمه کتاب‌های سید قطب به فارسی از یک سو و رواج حرکات و درگیری‌های مسلحانه با رژیم شاه از طرف اسلام‌گرایان جوان و ارائه یک تفسیر ایدئولوژیک از دین توسط شریعتی در طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ هستیم.

## ۳) رادیکالیسم سیاسی نسل جوان دهه‌های ۴۰ و ۵۰ در میان حاشیه نشین‌ها

در بخش پیشین در خصوص پیامدهای اجتماعی اصلاحات ارضی صحبت شد که این پیامدها باعث گسترش رادیکالیسم در میان حاشیه نشینها بخصوص نسل جوان آن شد. چند نکته اکنون در اینجا مطرح است. اول آنکه این زمینه‌ها صرفاً بر مناطق حاشیه نشین تأثیر نگذاشت بلکه بر سایر طبقات و اقشار و گروه‌های اجتماعی نیز تأثیر گذاشت به طوری که ما شاهد حرکات و فعالیت‌های رادیکال مثل شورش، خرابکاری‌های شهری، تشکیل گروه‌های چریکی با مشی مسلحانه و .... از جانب آنها نیز می‌باشیم. دوم آنکه بیشترین رادیکالیسم را در مناطق حاشیه شهرها ما در میان جوانان و نسل جوان می‌بینیم تا در میان توده‌ی مردم حاشیه شهرها، بهترین پژوهشی که در این زمینه صورت گرفته کتاب «سیاست‌های خیابانی، جنبش تهی‌دستان در ایران» نوشته آصف بیات است. بیات با تمرکز مطالعاتی در شهر تهران این نکته را مطرح

می‌سازد که «تهی‌دستان شهری به هیچ وجه به معنای مرسوم، انقلابی (یعنی خواهان ایجاد تغییر در ساختار قدرت عمده موجود بودن) نبوده‌اند. در عوض، این گروه‌های فاقد امتیاز (یعنی حاشیه‌نشینان) تقریباً تا روزهای پایانی انقلاب در حاشیه‌ی مبارزه انقلابی باقی ماندند.» (بیات، ۱۳۷۹) وی در این کتاب از طرحی به نام «پیشروی آرام» صحبت می‌کند که در طی آن توده مردم حاشیه‌نشین از طریق «سیاست‌های خیابانی» (مانند دوره گردی، بساطی، گاری داری و ...) آرام و آهسته منافع خود را تأمین می‌کنند. در عین حال از فضای سیاسی شهری دور هستند و سعی در تأمین زندگی روزمره خود دارند. وی در این کتاب به شدت این فکر را که «توده مردم حاشیه‌نشین در انقلاب اسلامی مشارکت فعالی داشتند و دست به فعالیت‌های رادیکال زدند» و مورد حمایت برخی نویسندگان و رهبران سیاسی قرار دارد رد می‌کند. از نظر وی «با توجه به مؤلفه‌هایی چون عدم امنیت، تهی‌دستی، نابرابری و تورم شدیدی که خاص جوامع تهی‌دست نشین بود و نیز صرف امکان بسیج انقلابی از بین تهی‌دستان بسیاری از ناظران را بر آن داشت تا فرض را بر آن بگذارند که گروه‌های فاقد امتیاز، مشارکت فعالی در انقلاب اسلامی داشتند. توصیف رهبران اسلامی جدید از انقلاب با عناوینی چون انقلاب مستضعفین و انقلاب پایمال شده‌ها تأییدی بود بر این فرض، یعنی بر اینکه طبقات فرودست جامعه در فرایند انقلاب اسلامی نقش اساسی ایفا کردند.» (پیشین، ۷۵)

وی سپس توضیح می‌دهد که «تصور غالب آن است که روحانیون در جریان انقلاب در سال ۱۳۵۷ از این نهادها برای بسیج مردم برای مبارزه بر علیه رژیم شاه استفاده کردند. ولی شواهد محکمی برای درستی این فرض وجود ندارد. در حقیقت هم مبارزان غیر دینی (چپ و لیبرال) و هم مبارزان اسلام‌گرا (روحانیون ضد رژیم) در جریان مبارزه، طبقه پایین جامعه را نادیده گرفته بودند و توجه‌شان را روی آموزش سیاسی و فکری گروه‌های تحصیل کرده جوان بخصوص دانشجویان متمرکز کرده بودند. مثلاً آیت‌الله خمینی در هشتاد و هشت پیام و نامه‌ای که در خلال ۱۵ سال قبل از انقلاب برای مردم ایران فرستاد، فقط ۸ بار به طبقات فرودست اشاره کرد. در حالیکه ۵۰ بار جوانان تحصیل کرده، دانشجویان و دانشگاهیان را مخاطب قرار داد. در مورد آیت‌الله مطهری نیز جهت‌گیری «نخبه‌گرایانه» اش از خلال هشدارهای او نسبت به «عوام زدگی یا مردم‌گرایی روشن بود و از دیدگاه شریعتی نیز این روشنفکران بودند که نیروی انقلابی را می‌ساختند، نه توده‌های مردم. جالب اینجاست که واژه مستضعفین نیز فقط در اوج انقلاب (آبان ۱۳۵۷) وارد سخنرانی‌ها شد و در آن به نفی کمونیسم اشاره و تلاش شد تا یک جایگزین (اسلامی) برای تهی‌دستان ارائه شود. در حقیقت، روحانیون غالباً فقط بعد از انقلاب بود که توجه‌شان به مستضعفین یا طبقات فرودست جلب شد. آنان به این دلیل چنین کردند که اولاً طبقات فرودست را پایگاه اجتماعی محکمی برای رژیم نوپای اسلامی می‌دیدند. ثانیاً رادیکالیسم طبقه

فرو دست پس از انقلاب، روحانیون را وادار کرد که زبان رادیکالی را اتخاذ کنند. ثالثاً تأکید روحانیون روی مستضعفین می‌توانست چپ‌ها را خلع سلاح کند.» پیشین (۸۶-۸۷)

پس از نشان دادن این مهم اکنون در حد مقدور به بررسی رادیکالیزم سیاسی در جوانان حاشیه شهرها در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ می‌پردازیم. قبلاً توضیح داده شد که چگونه ترکیب جمعیتی جوان و ورود آنها به دانشگاه‌ها و دیگر مراکز دولتی و اداری از زمینه‌های گسترش تندروی و رادیکالیزم بود. اکنون این نکته را بررسی می‌کنیم و بیان می‌کنیم که دستگاه فکری این نسل جوان تعیین کننده شاکله‌های حسی رفتاری آنها بود. این دستگاه فکری مشتمل بر موسیقی، شعر، سینما و به خصوص ادبیات دینی این نسل بود که در همه‌ی این موارد نوعی رادیکالیزم در آن یافت می‌شود.

در مورد ادبیات دینی این نسل باید گفت که این ادبیات به شدت با شریعتی گره خورده است. تفسیرهای ایدئولوژیک، انقلابی و رادیکال شریعتی از شیعه و مفاہیم آن به شدت مورد توجه این نسل قرار گرفت و آنان را در حرکات به سوی فعالیت رادیکال به شدت سوق داد. «شریعتی تأثیرگذارترین و مهم‌ترین نظریه پرداز اسلام سیاسی چپ در ایران و یکی از چهره‌های مشهور اسلام سیاسی در جهان اسلام به شمار می‌آید .... دغدغه فکری شریعتی در آن سالها (سنین جوانی) اثبات این نکته بود که تمام آرمان‌های معاصر از میراث غنی اسلامی - شیعی سرچشمه می‌گیرند و اسلام فراتر از همه ایدئولوژی‌ها و مکتب‌های غربی، آرمان‌های انسانی را مطرح کرده است. وی امیدوار بود از این راه بتواند توجه روشنفکران و نسل جوان ایرانی را به این میراث غنی جلب کرده و آنان را از تقلید کورکورانه غرب باز دارد. در این راستا، وی تفسیرهایی به کلی جدید از مفاهیم و سنت‌های مذهبی مطرح کرد و کوشید تا با بازسازی گسترده میراث مذهبی ایرانی تصویری مدرن و جذاب از اسلام را بر اساس نیازهای نسل جست و جو گر و انقلابی آن روزگار را ارائه کند.

بازگشت به خویشتن شعار اصلی شریعتی برای نسلی بود که از استبداد به تنگ آمده بود، لیبرالیسم را به دلیل سیاست‌های امپریالیستی و استعماری دولت‌های غربی و ابتذال اخلاقی این جامعه‌ها شایسته سرزنش می‌دانست و مارکسیسم را به دلیل ماتریالیستی و ضدیتش با مذهب نکوهش می‌کرد و در عین حال به مذهب سنتی موجود و روحانیون نماینده آن چندان علاقه‌ای نشان نمی‌داد. منظور شریعتی از بازگشت به خویشتن، بازگشت به اسلام به عنوان یک ایدئولوژی انقلابی و نجات بخش بود. این تفسیر در فضای سیاسی دهه چهل (و پنجاه) برای نسل جوان ایرانی شیفته انقلاب و تغییر جذابیت فراوان داشت .... گفتمان شریعتی با تأکید بر روح انقلابی اسلام به سرعت محبوبیت یافت و جوانان بسیاری را به خود جذب کرد .... شریعتی می‌کوشید تا اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع و انقلابی معرفی کرده و برتری‌های آن را نسبت به

ایدئولوژیهای مدرنی چون مارکسیسم و لیبرالیسم برشمارد ... وی از رشد اسلام ایدئولوژیک در سالهای اخیر به عنوان مهمترین رویداد نام برد و ارتقای اسلام به ایدئولوژی را مقدمه‌ای برای آگاهی توده‌ها و ایجاد یک نهضت رهایی بخش تلقی می‌کند. شریعتی برای تبیین ایدئولوژیک تشیع به قرائتی تازه از اصطلاح‌ها و مفهومی‌های کهن و مرسوم مذهبی دست زد به گونه‌ای که بسیاری از این اصطلاح‌ها در کاربرد شریعتی از معنای سنتی خود به طور کامل تهی شدند. این گونه بود که نوعی دوگانگی بین تشیع موجود و تشیع ایدئولوژیک و آرمانی شریعتی به وجود آمد ... از دیدگاه وی توحید مستلزم حرکت به سوی جامعه بی طبقه و نفی نابرابری است و دعوت به توحید و بندگی خدا یعنی دعوت به عصبان در برابر هر مرجع و حاکمی غیر از خدا ... به نظر وی هنگامی که قدرت‌های جبار حاکم مردم را با زر و زور و تزویر خاموش می‌کنند، تنها انتخاب آگاهانه شهادت است که می‌تواند سکوت حاکم را بشکند و رژیم غاصب را مفتضح سازد. به نظر وی امام حسین نه می‌توانست سکوت کند و نه می‌توانست به نبردی همه جانبه برخیزد و از همین رو شهادت را انتخاب کرد. شریعتی از امام حسین اسوه یک انقلابی جاودان ساخت که مسلمانان را همواره به قیام علیه ظلم و بی عدالتی دعوت می‌کرد.

تجلیل شریعتی از شهید و شهادت و تفسیری که او از عاشورا ارائه کرد تأثیر بسیاری در تهییج جوانان انقلابی بر جای گذاشت ... از نظر وی انتظار یک عامل فکری و روحی حرکت بخش و تعهدآور و بالاخره فلسفه اعتراض به وضع موجود و نفی ارزش‌ها و نظام‌های حاکم در طول قرون است ... به نظر شریعتی کار ویژه اجتهاد، نوسازی فکری ایدئولوژیک و یک انقلاب فکری است که در طول زمان متوقف نمی‌شود... شریعتی هم چنین مفهوم انقلاب را وارد ادبیات مذهبی کرد و اسلام انقلابی را در برابر اسلام رفرمیستی قرار داد. به نظر وی در حالی که اسلام رفرمیستی اسلام بی‌دردهایی است که با زمان حاضر خو کرده‌اند و درعین حال اسلامی متناسب با آن می‌جویند اسلام انقلابی اسلامی است که به گونه‌ای بنیادین از همان نخست جهان بینی‌اش انقلابی است و بنابراین آرمان‌هایی که از آن بر می‌آید نیز انقلابی خواهد بود... شریعتی شیعه را به عنوان حزبی که رسالتش انقلاب و مبارزه برای نابودی مثلث شوم زر و زور و تزویر است معرفی می‌کند... شریعتی تشیع مورد نظر خود را «تشیع علوی» می‌خواند و آن را در برابر «تشیع صفوی» قرار می‌داد. این تفکیک یکی از جنجال برانگیزترین بحث‌های شریعتی است. او در این بحث به نقد تشیع موجود و روحانیت نماینده آن می‌پردازد. به نظر شریعتی تا زمان صفویه تشیع، انقلابی و مبارز بود ولی با رسمیت یافتن تشیع در دوره صفوی این مذهب در خدمت دولت و سلطنت قرار گرفت و ارتجاعی شد. تشیع صفوی به نام تقیه و انتظار مردم را به انفعال و سکوت در برابر همه پلیدی‌ها و انحراف‌ها و تجاوزهای قدرت حاکم و تعطیل مطلق مبارزه فرا خواند و بدین ترتیب مذهب پویای شیعی را به مذهب ترس و سکوت تبدیل کرد ... از دیدگاه

شریعتی تشیع صفوی نماد افیونی است که در نظریه مارکس به نام مذهب جامعه را تخدیر می‌کند .... شریعتی در برابر دموکراسی لیبرال، از دموکراسی متعهد یا هدایت شده سخن می‌گوید. رهبر در این نظام یک انسان مافوق است که نه به تأیید مردم نیازمند و نه پاسخ گوی آنان است. این نظام به آزادی‌های سیاسی و فکری احترام می‌گذارد ولی برخلاف لیبرالیسم و آزادی مطلق غربی که به رواج فساد و تباهی منجر می‌شود به دفاع اخلاقی و معنوی از جامعه متعهد است. ... برای شریعتی ابودر الگوی یک انسان کامل مبارز در راه سوسیالیسم اسلامی و الگویی تمام عیار بود که برای نجات اسلام و فقیران و زیر دستان و محرومان به مبارزه با زر و زور و حتی مرجعیت دینی بر می‌خیزد. ابودر شریعتی مسلمان متعهد، مبارز و انقلابی و مبلغ برابری، برادری، عدالت و آزادی بود. (حسینی زاده، ۱۳۸۶)

مطالب بالا به خوبی نشان می‌دهد که چرا و چگونه شریعتی بروی نسل جوان اسلام‌گرا تأثیرگذار بود و چگونه نسل جوان با استفاده از مفاهیم شریعتی نظیر شهادت، تغییر، انقلاب، توحید، مبارزه عاشورا و .... دست به حرکات و فعالیت‌های رادیکال علیه رژیم شاه (در قالب مخالفت با رژیم شاه، شورش، خرابکاری‌های شهری، تشکیل گروه‌های چریکی با مشی مسلحانه و ...) زدند.

پس از بیان زمینه‌های داخلی و خارجی گسترش رادیکالیسم و اینکه چگونه دستگاه فکری جوانان حاشیه شهرها در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ منجر به شاکله‌های حسی - رفتاری رادیکال گردید، جا دارد در پایان به «حلقه‌ی نازی آباد» به عنوان یک نمونه اشاره کنیم. این حلقه همان طور که از نام آن پیداست و در نازی آباد (در جنوب شهر تهران) شکل گرفت. نازی آباد به عنوان یک منطقه حاشیه‌ی شهری در تهران محسوب می‌شود که در طی دهه‌های پس از اصلاحات ارضی ما شاهد مهاجرت وسیعی به این منطقه هستیم به طوری که مثلاً خانواده رمضان زاده از کردستان (بیجار) و خانواده حجاریان از کاشان به آنجا آمده بودند.

این حلقه متشکل از شماری از جوانان نازی آباد بود مانند سعید حجاریان، عباس عبدی، عبدالله رمضان زاده، اکبر گنجی، عماد الدین باقی، سید علی صنیع خانی و . جلسات منظم این گروه در خانه‌های نازی آباد برگزار می‌شد. عمده اعضای این گروه در دهه‌ی پنجاه وارد دانشگاه شدند. چنانکه حجاریان وارد دانشکده فنی دانشگاه تهران و عبدی وارد دانشگاه امیر کبیر شد. «کتاب‌های علی شریعتی اصلی‌ترین کتاب‌هایی بود که آن روزها بچه‌های نازی آباد می‌خواندند و با یکدیگر درباره‌اش بحث می‌کردند. آقای همتی، معلم ایدئولوژیک نازی آبادی‌ها، دوستدار شریعتی بود و متأثر از او، جوانان نازی آبادی نیز با نگاه شریعتی همراه شده بودند .... (حلقه‌ی نازی آبادی‌ها) گروهی بودند جمع شده در کنار هم، بدون دبیر جلسات که امور را به گونه‌ای هیأتی و با همراهی هم رتق و فتق می‌کردند.» (مجله شهروند امروز، شماره ۵۰، ۴۹)

افراد حاضر در این حلقه به مخالفت با رژیم شاه برخاستند و بعد از وقوع انقلاب اسلامی در پست‌های کلیدی و نقش‌های حساس ظاهر شدند چنانکه جباریان در تشکیل وزارت اطلاعات نقش داشت، عباس عبدی از اعضای شورای مرکزی دانشجویانی بود که سفارت آمریکا را اشغال کردند. اکبر گنجی در تأسیس سپاه نقشی به عهده گرفت، عبدالله رمضان زاده بعدها به عنوان سخنگوی دولت اصلاحات مطرح گردید، عماد باقی به عنوان یک نظریه پرداز روشنفکری دینی مطرح گردید و سایرین نیز نقش‌های مهمی را در دست گرفتند.



## نتیجه گیری

پژوهش حاضر «به بررسی پیامدهای اجتماعی و تأثیرات هنجاری اصلاحات ارضی در ایران» پرداخته است. در این پژوهش کانون توجه معطوف به مسایلی هم چون اصلاحات ارضی، حاشیه نشینی و سایر پیامدهای اصلاحات ارضی به خصوص در طی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ شمسی می‌باشد.

مهاجرت روستاییان به شهرها و رشد و تشدید حاشیه نشینی شهری مهم‌ترین پیامد اجتماعی اصلاحات ارضی بود. بدین منظور ابتدا بیان داشتیم که وقوع اصلاحات ارضی باعث زوال مشروعیت رژیم شاه در روستاها شد. وقوع اصلاحات ارضی باعث افزایش سطح انتظارات روستایی شد. سپس به ایجاد احساس محرومیت نسبی در میان خوش نشینان و دهقانان انجامید و آشنایی جامعه روستایی با محیط شهری و هم چنین ایدئولوژی اسلامی باعث تشدید احساس محرومیت نسبی در میان روستاییان و در نهایت زوال مشروعیت رژیم در روستاها شد. علل مهاجرت روستاییان به شهرها با توجه به عواملی همچون قطعات کوچک زمین و نامرغوب بودن آنها تولید کم محلی و کمبود آب، گسترش مالکیت بزرگ سرمایه داری، کمبود تأسیسات و تسهیلات زندگی در روستاها، عدم تخصیص بودجه به بخش کشاورزی، توسعه روزافزون شهرها و پیدا کردن شغل بوده است. مهاجران روستایی پس از مهاجرت به شهرها به علت داشتن درآمد اندک مجبور به سکونت در حاشیه شهرها شدند و بدین ترتیب در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ ما شاهد وفور حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ کشور شدیم. بعد از آن تقویت و گسترش رادیکالیسم در میان جوانان حاشیه شهرها به عنوان پیامد هنجاری اصلاحات ارضی شروع شد. لذا مهم‌ترین زمینه‌های داخلی و خارجی گسترش رادیکالیسم در قالب مواردی چون شناور بود افراد مهاجر و عدم تثبیت هویت در آنها، ترکیب جمعیتی جوان و ورود آنها به دانشگاه‌ها، فضای ملت‌پسند شهری، استبداد حاکم و حضور آمریکا به عنوان حامی شاه در کنار سیطره ادبیات مارکسیستی در فضای کشورهای جهان سوم و گسترش اسلام سیاسی بوده است.

بررسی رادیکالیسم سیاسی در میان نسل جوان حاشیه شهر در دهه ۴۰ و ۵۰ نشان می‌دهد که دستگاه فکری آنها متکی بر شعر در (قالب نمود برجسته‌ای چون احمد شاملو)، سینما (در قالب نمودهایی چون امیر نادری و مسعود کیمیایی) موسیقی (در قالب نمودهایی چون فرهاد، فریدون فروغی) و ادبیات دینی (در قالب نمود برجسته‌ای چون دکتر شریعتی) بوده است. این دستگاه فکری تعیین کننده شاکله‌های حسی رفتاری آنها در قالب فعالیت‌های رادیکال چون شورش، خرابکاری‌های شهری، گروه‌های چریکی با مشی مسلحانه، مخالفت با رژیم شاه و ... بود که بررسی کوتاه موردی آن را می‌توان در جوانان حلقه نازی آباد دید. در خلال این بررسی‌ها میتوان چنین نتیجه گیری کرد که پیامدهای اجتماعی - هنجاری اصلاحات ارضی منجر به رشد و تشدید حاشیه نشینی و تقویت رادیکالیسم شد.

## فهرست منابع

۱. آبادیان، حسین. (۱۳۹۷). اصلاحات ارضی و تبعات اجتماعی مهاجرت روستائیان به شهر تهران. تحقیقات تاریخ اجتماعی. ۷-۰.
۲. امرایی، شمس‌الدین، اویسی، عباس، برزین، سیدصاحب، و امین پور، صالح. (۱۴۰۱). پیامدهای اقتصادی اصلاحات ارضی در لرستان (مورد مطالعه؛ منطقه رومشگان). پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ۱۱(۲)، ۵۷-۹۳.
۳. احمدی باب دراز، محمدنعیم، (۱۳۹۶)، وضعیت حقوقی مراتع حریم و مراتع مشمول اصلاحات اراضی، سومین کنفرانس ملی هزاره سوم و علوم انسانی، بندرعباس
۴. برزین، سیدصاحب، و علی صوفی، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در استان فارس (مطالعه موردی؛ روستای قلات). پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۷(۱) (پیاپی ۱۳)، ۱۲۹-۱۴۴.
۵. برزین، سیدصاحب، و علی صوفی، علیرضا. (۱۳۹۵). واکاوی پیامدهای سیاسی اصلاحات ارضی در فارس. گنجینه اسناد، ۲۶(۱) (پیاپی ۱۰۱)، ۸۲-۱۰۳.
۶. بیات، آصف، ۱۳۷۹، سیاست‌های خیابانی، ترجمه اسدالله نبوی چاشمی، تهران: شیراز
۷. پیروتی دهبکری، مسعود و لطفیانی، سیامک و طاهریان، سیروان، ۱۳۹۴، تأثیر اصلاحات ارضی بر اراضی موقوفه و آثار و نتایج آن، دومین همایش علوم انسانی اسلامی، قم
۸. حسینی زاده، محمدعلی، (۱۳۸۶) اسلام سیاسی در ایران، قم: انتشارات دانشگاه مفید
۹. خرمشاد، محمدباقر، و موسی نژاد، محمدجواد. (۱۳۹۶). بررسی پیامدهای اجتماعی سیاست تقسیم اراضی انقلاب اسلامی ایران بر مبنای روش AHP. دانش سیاسی، ۱۳(۲) (پیاپی ۲۶)، ۷۷-۱۰۱.
۱۰. رعنائی، شهین، و بیگدلی، علی. (۱۳۹۵). مواجهه عمده مالکان با مرحله اول اصلاحات ارضی در کردستان ایران. پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۵(۱) (پیاپی ۹)، ۵-۲۲.
۱۱. عزمی، آنیژ؛ امیری پریان، سمیه. (۱۳۹۴). بررسی تأثیرات اقتصادی و اجتماعی اصلاحات ارضی (قبل از انقلاب اسلامی) بر اجتماع روستایی - مطالعه موردی: شهرستان کرمانشاه. سومین همایش سراسری کشاورزی و منابع طبیعی پایدار.
۱۲. فروغی، عاطفه، مسعودنیا، حسین، و امام جمعه زاده، سیدجواد. (۱۳۹۷). بررسی پیامدهای اصلاحات ارضی در ایران بر زندگی کشاورزان در رمان‌های سیاسی و اجتماعی دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی. تاریخ ایران (پژوهشنامه علوم انسانی)، ۱۱(۲)، ۱۱۵-۱۴۳.

۱۳. قلیجی، مریم، و نورائی، مرتضی. (۱۳۹۹). بررسی تأثیر اصلاحات ارضی ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۷ ش/ ۱۹۶۲ تا ۱۹۷۸ م بر جمعیت شهری؛ نمونه پژوهی ایلام. پژوهش‌های تاریخی.
۱۴. قرشی، مجتبی، و داوودی، علی اصغر. (۱۳۹۷). جبهه‌گیری احزاب در مقابل اصلاحات ارضی رژیم پهلوی. مطالعات سیاسی، ۱۰(۳۹)، ۱۱۳-۱۳۴.
۱۵. کیان، رضا، یوسفی، کوثر، و حسینی، محمد. (۱۳۹۹). بررسی اثر اصلاحات ارضی و از بین رفتن بانه بر تولید کشاورزی ایران. پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۸(۹۵)، ۵۵-۱۰۸.
۱۶. کارگر اسفندآبادی، خدیج، یوسفی، علی، رتیمی، آرزو (۱۳۹۶). قشربندی اجتماعی در روستاهای ایران قبل و بعد از اصلاحات ارضی ۱۳۴۱. مجل نخبه‌گان علوم و مهندسی، جلد ۵(۳).
۱۷. کرمی، شایان (۱۳۹۸). پیامدهای اصلاحات ارضی در غرب ایران (مطالعه موردی: ایام، کرمانشاه و لرستان). فصلنامه داخلی فرهنگ ایام.
۱۸. نوروزی، عباس، و شهبازی، اسماعیل. (۱۳۹۹). مقایسه تطبیقی قانون اصلاحات ارضی و لایحه اصلاحی آن. روستا و توسعه، ۳۳(۳) (پیاپی ۹۱)، ۹۷-۱۲۶.
19. Adamopoulos, T., & Restuccia, D. (2020). Land reform and productivity: A quantitative analysis with micro data. *American Economic Journal: Macroeconomics*, 12(3), 1-39.
20. Anaifo, D. (2015). Land reforms and land rights change: A case study of land stressed groups in the Nkoranza South Municipality, Ghana. *Land Use Policy*, 42, 538-546.
21. Behr, D., Haer, R., & Kromrey, D. (2018). What is a chief without land? Impact of land reforms on power structures in Namibia. In *Decentralization, democracy, and development in Africa* (pp. 46-63). Routledge.
22. Boyce, J. K., Rosset, P., & Stanton, E. A. (2005). Land reform and sustainable development. *Reclaiming nature: environmental justice and ecological restoration*, 127-150.
23. Cousins, B. (2016). Land reform in South Africa is sinking. Can it be saved. University of Western Cape, PLAAS.
24. Hartvigsen, M. (2014). Land reform and land fragmentation in Central and Eastern Europe. *Land use policy*, 36, 330-341.
25. Hall, R., & Kepe, T. (2017). Elite capture and state neglect: new evidence on South Africa's land reform. *Review of African Political Economy*, 44(151), 122-130.
26. Jürgenson, E. (2016). Land reform, land fragmentation and perspectives for future land consolidation in Estonia. *Land Use Policy*, 57, 34-43.

27. Kay ،C. (2019). Land reform in Latin America: past ،present ،and future. *Latin American Research Review* ،54(3) ،747-755.
28. Mkhabela ،T. ،Ntombela ،S. ،& Mazibuko ،N. (۲۰۱۸). Pro et Contra of Agriculture Land Reform in South Africa: A Policy Brief.
29. Menon ،N. ،Van der Meulen Rodgers ،Y. ،& Kennedy ،A. R. (2017). Land reform and welfare in Vietnam: Why gender of the land-rights holder matters. *Journal of International Development* ،29(4) ،454-472.
30. Obeng-Odoom ،F. (2012). Land reforms in Africa: Theory ،practice ،and outcome. *Habitat international* ،36(1) ،161-170.
31. Rampa ،A. ،Gadanakis ،Y. ،& Rose ،G. (2020). Land Reform in the Era of Global Warming—Can Land Reforms Help Agriculture Be Climate-Smart?. *Land* ،9(12) ،471.
32. Scoones ،I. ،Marongwe ،N. ،Mavedzenge ،B. ،Murimbarimba ،F. ،Mahenehene ،J. ،& Sukume ،C. (2014). Zimbabwe's land reform: challenging the myths. In *Outcomes of post-2000 Fast Track Land Reform in Zimbabwe* (pp. 61-87). Routledge.
33. Tarisayi ،K. (2013). Land Reform: An analysis of definitions ،types and approaches. *Asian Journal of Agriculture and Rural Development* ،4(3) ،2014.
34. Walker ،C. (2005). The limits to land reform: Rethinking 'the land question'. *Journal of Southern African Studies* ،31(4) ،805-824.